

زاینده رود

فاطمه ایزدی

تصویری: فاطمه هراتی



سرشناسه	ایزدی، فاطمه، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	زاینده رود/ نویسنده فاطمه ایزدی؛ تصویرگر فاطمه هراتی
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۴۰ ص؛ مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	کی؟ چی؟ کجا؟
شابک	978-622-344-174-5
موضوع	زاینده رود
موضوع	Zayandeh Rud (Iran)
موضوع	رودها -- ایران -- اصفهان
موضوع	Rivers -- Iran -- Esfahan
موضوع	آب، منابع -- ایران -- زاینده رود
موضوع	Water-supply -- Iran -- Zayandeh rud
موضوع	هراتی، فاطمه، ۱۳۶۶ -، تصویرگر
شناسه افزوده	DSRT173
رده‌بندی کنگره	۹۱۵/۹۳۲
رده‌بندی دیویی	۹۴۹۹۹۵۰
شماره کتابشناسی ملی	



شرکت
انتشارات
فنی ایران

کتاب‌های
نردبان

زاینده رود

نردبان به کی؟ چی؟ کجا؟ | کد کتاب ۲۴۷۶

www.ketab.ir

نویسنده فاطمه ایزدی
تصویرگر و طراح گرافیک فاطمه هراتی
طراح جلد حامد زاهد

چاپ اول ۱۴۰۳ | ۲۰۰۰ نسخه | چاپ اندیشه برتر

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

میرعماد شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۰۲۱-۵۴۹۵۹۰۸۸۵-۵۰۵۵

info@entesharat.com 📧 entesharat.com

@nardebanbooks 📧 nardebanbooks

کاغذ این کتاب از جنگل‌های
صنعتی مدیریت شده
تهیه شده است.



فهرست

- سخن ناشر | ۷
- پیشگفتار | ۸
- ۱ — تولد، زندگی، انجام | ۱۷
- ۲ — نام و نشان، گذشته و اکنون | ۲۹
- ۳ — زاینده رود، این هدیه آسمانی | ۴۷
- ۴ — با زاینده رود چه کردیم؟ | ۷۰



۵ — زاینده رود، یک حلقه از یک زنجیره | ۸۳

۶ — سرانجام | ۹۲

— واژه نامه | ۹۸

منابع | ۱۲۲

— سیر تاریخی زاینده رود | ۱۳۴

— سیر تاریخی ایران و جهان | ۱۳۵

www.ketab.ir



دوستان عزیز:

این کتاب کوچک، حاصل یک کار جمعی طولانی است. ما پس از بررسی تعداد قابل توجهی کتاب، مقاله، سند، رساله و پایان نامه، سنگ بنای کتاب را فراهم آوردیم و برای تکمیل آن با افراد صاحب نظر گفت و گو کردیم، مشاوران بزرگواری که بدون یاری آن ها، نگارش کتاب ممکن نبود. از همه آن ها متشکریم به ویژه این دوستان:

- خانم فریده اکباتانی، صبا نوربختیار و آقای رضا نوربختیار با مهربانی، حوصله و بلند نظری ما را در تهیه عکس ها یاری دادند.
- آقای حشمت الله انتخابی با وجود گرفتاری بسیار، ویرایش کتاب را از نظر جغرافیا و تاریخ اصفهان پذیرفتند.
- آقای محمود سلطانی با مساعدت و مساعدت اداره محیط زیست اصفهان با دقت کتاب را از نظر علمی ویرایش کردند.
- زنده یاد استاد پرویز شهریاری پیشگفتار را با همت و شیرینی و دقت علمی کم نظیرشان بازبینی کردند.
- خانم شکوه حاجی نصرالله گردآوری نخستین منابع کتاب را بر عهده داشتند.
- انجمن طبیعت یاران اصفهان.
- اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان.
- آقای زاون قوکاسیان که نسخه کمیاب کتاب ایران در یکصد و سیزده سال پیش را در اختیار ما قرار دادند.
- آقای سیدرضا کروی مدیر و دیگر همکاران شرکت انتشارات فنی ایران که با حوصله و بینش علمی با تحمل وسواس های ما، برای بهتر شدن کتاب با ما همکاری کردند.

دوستان عزیز!

جهان در دست‌های شماست، دست‌های جوان و پرتوان شما. آنچه پیشینیان ما از دانش و فناوری با همکاری و جانفشانی قطره‌قطره جمع کردند، اکنون دریایی است. این دریای بیکران در دسترس شماست. با استفاده از آن و با دست‌های قدرتمندان یاری کنید تا دنیای بهتری بسازیم. دنیایی که در آن با زمین، این مادر مهربان همه ما، مهربان‌تر باشیم. دنیایی که در آن، در سایهٔ رعایت حقوق همه موجودات و با حفظ محیط‌زیست، از یک زندگی آرام، انسانی و خالی از خطر برخوردار شویم.

کتاب «زاینده‌رود» اکنون در اختیار شماست. امیدواریم آن را بپسندید.

پیشگفتار

بیا تا جهان را به بد نسپریم
به کوشش همت است نیکی بریم
فردوسی

سرزمین زیبای ما ایران، از هزاران سال پیش، خاستگاه تمدنی باستانی و نیز پلی بوده است میان تمدن‌های گوناگون. ما تاریخی چند هزارساله و گنجینه‌ای غنی، گرانقدر و کم‌نظیر از حماسه، افسانه و اسطوره از نیاکانمان به ارث برده‌ایم. خواهش می‌کنیم توجه کنید؛ ما کلمه‌های غنی، گرانقدر و کم‌نظیر را به دقت سنجیده و آنگاه برگزیده‌ایم. میراث ما به راستی گنجینه‌ای است. آن گوهرها را که فردوسی عزیز، شاعر ملی ما، به رشته شعر کشیده است؛ در نظر آرید. او بخشی از این میراث گرانبها را زنده کرده و خود نیز در قلب‌های ما زندگانی جاودانه یافته است.

ما بیش و کم با آنچه که فردوسی از اعماق زمان برکشیده و در برابر دیدگانمان نهاده است، آشنا هستیم. اما این تنها بخشی از میراث ماست. بخش دیگری از آن کمتر شناخته شده است به ویژه آن بخش از این گنج که کهن تر است: گوهرهای گرانبهای نهان شده در اعماق اعصار و قرون: اسطوره‌ها!

اسطوره چیست؟

اسطوره یک اصطلاح کلی است که دربرگیرندهٔ باورهای مقدس همهٔ افراد جامعه در مرحلهٔ خاصی از دگرگونی‌های اجتماعی در عصر جوامع ابتدایی است. اساطیر سرشارند از روایت‌های مقدس دربارهٔ خدایان، موجودات فوق بشری، سرنوشت انسان پس از مرگ و رخدادهای شگفت‌انگیز. رخدادهایی که به خلق جهان انجامیده است و ساز و کارهای جهان را توجیه می‌کند.

اسطوره چه اهمیتی دارد؟ اسطوره‌های ما چه ارزشی دارند؟ «اسطوره‌ها آینه‌هایی هستند که تصویرهایی را از ورای هزاره‌ها منعکس می‌کنند و آن‌جا که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش می‌مانند؛ اسطوره‌ها به سخن درمی‌آیند و فرهنگ آدمیان را از دوردست‌ها به زمان ما می‌آورند و افکار بلند و منطق گستردهٔ مردمانی ناشناخته ولی اندیشمند را در دسترس ما می‌گذارند. اسطوره‌های ایران باستان

در این دنیای پر رمز و راز جایی والا دارد و شناخت آن رهنمون ما در شناخت فرهنگ غنی و پر ارزش این سرزمین است.»

آناهیتا* (آناهیتا) کیست

در اسطوره‌های ما آناهیتا ایزدبانوی آب‌ها و پاکی و باروری است، همان طور که میترا (مهر) ایزد روشنایی و دوستی و پیمان است، آترا (آذر) ایزد آتش و چیستا ایزدبانوی دانش و معرفت.

از میان ایزدان کهن ایرانی، میترا و آناهیتا دارای مقامی بسیار بزرگ بودند به طوری که روحانیان زرتشتی نتوانستند با باور عمیق مردم به آن‌ها مبارزه کنند و پرستش میترا و آناهیتا در آیین زرتشت هم ادامه یافت و سرودهای زیبا و باشکوهی در ستایش آن‌ها در یشت‌ها آورده شد.

آناهیتا در اوستا، هم رودی است میمنه‌ای هم دوشیزه‌ای زیبا. چنین برمی‌آید که مجسمه‌های فراوانی از آناهیتا در معابد او وجود داشته است. زیرا اندام برازنده و نیرومند و لباس فاخر و آرایه‌های زیبا و باشکوه او در اوستا بسیار روشن و دقیق وصف شده است. گوش کنید:

واژه "آناهیتا" شکل اصیل "آناهیتا" است، اما چون در میان مردم آناهیتا جا افتاده، ما هم در این جا از آن استفاده کرده‌ایم.



«آنگاه اردوی سور آناهیتا به شکل دوشیزه‌ای زیبا، نیرومند،
خوش‌اندام، کمر بند به میان بسته بالابند، آزاده‌نژاد و توانمند با
کفش‌های زیبای درخشان که آن‌ها را با بندهای زرین به پا بسته
بود روان شد...»

و باز...



«...گوشواره‌ای چهارگوش و زرین بر گوش جلوه‌گر شد و گردنبندی به گردن زیبا و خوش‌ترکیب خود داشت و کمربند به میان بسته بود تا سینه‌هایش را ترکیبی دلنشین دهد.»

«اردوی سوراها بر تارک خویش تاجی زرین و هشت‌گوش که جواهرات بسیار آن را دربر گرفته بود نهاد و تاج زیبا را نوارهای آراسته و حلقه‌ای در میان گرفته بود.»

در همین یشت، آناهیتا نماد آب است و به شکل رودخانه‌ای عظیم از کوه فرو می‌ریزد:

«بزرگی که در همه جا شهره است. کسی که در بزرگی همانند همه آب‌هایی است که در روی زمین جاری است. زورمندی که از کوه هوکریه به دریای فرات فرو ریزد.»

و «آن درخشان بلندبالای خوش‌اندام که مانند آب‌های روان روز و شب چنان جاری است. مانند همه آب‌هایی که بر زمین روان‌اند.»
«او به بزرگی همه آب‌هایی است که در روی زمین جاری است و با نیرویی فراوان روان.»

«الهه بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب بزرگ و سپید و هم‌رنگ و هم‌نژاد آن را می‌کشند.»
او خود به زرتشت پیامبر می‌گوید:

«ای زرتشت سپنتمان* این اسبان برای من باران و برف و ابر و تگرگ می آورند.»

همان طور که از نام او پیداست، او الهه آب های قدرتمند بی آلایش است. اوست که آب ها را از آلودگی پاک می کند، اوست که نسل بشر را از ناپاکی حفظ می کند. اوست که زایش را برای همه زنان آسان می کند و برای کودکان شیر آنان را به هنگام جاری می سازد. بشنوید:

... «او آب ها را، نطفه های مردان را، زهدان زنان را و شیر آنان را پاک می کند»

«آن که زایش را برای همه زنان آسان می کند. آن که شیر همه زنان را به هنگام جاری می سازد.»

آب زندگی است، برکت و آبادانی است. آنکه الهه آب های پاک و زورمند است:

«فزاینده غله است و فزاینده رمه، فزاینده خواسته است و فزاینده ملک.»

او بسیار نیرومند، توانا، برکت دهنده و نیکخواه است. تعدادی از شخصیت های اسطوره ای ما چون هوشنگ، جمشید، فریدون، گرشاسب، کیخسرو، کیکاووس، توس و... با نثار قربانی او را ستایش



می‌کنند و از او یاری می‌خواهند، ایزدبانو درخواستشان را می‌پذیرد و آن‌ها را یاری می‌کند.

او چنان قدر تمند است که حتی دشمنان ایران زمین و بدخواهان مردم مثل ضحاک، افراسیاب و پسران ویسه نیز برایش قربانی می‌کنند و او را به یاری می‌طلباند:

پسران ویسه از او خواستند: «ای پاک، ای تواناترین، ای اردوی سور آناهیتا، ما را آن کامیابی بخش که بر جنگجوی دلیر توس پیروز شویم و قوم آریایی را براندازیم با پنجاه، صد، هزار، ده هزار و صد هزار ضربه.»

ضحاک نیز به او رو می‌آورد: «اژدی‌دهاک سه پوزه در کشور بابل برای اردوی سور آمده است. اسب نر، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد» و از او خواست:

«ای اردوی سور آناهیتا، مرا آن توانایی ده که هفت کشور را از آدمی تهی سازم.»

روشن است که آناهیتا، درخواست‌های این گروه را اجابت نمی‌کند. نمی‌تواند چنین کند. او پاک، آزاده و یاور نیکان است و روا نمی‌دارد که جهان از آدمی تهی شود.

آناهیتا مظهر آرزوهای والا و انسانی نیاکان ماست.

او نماد اندیشه بلند و فکر روشن آنان است.

او ترجمان اشتیاق سوزان و اراده‌آنان است برای پیروزی پاکی
 بر پلیدی و خوبی بر بدی. مگر ممکن است او ضحاک را که نماد
 ظلم و بدخواهی و دشمنی با انسان است یاری کند؟
 اما جای شگفتی است و دریغ که اکنون، پس از گذشت هزاران
 سال و به رغم پیشرفت عظیم دانش و تمدن بشری، فرزندان آن
 نیاکان بی‌آن که بیندیشند چه می‌کنند، هم‌داستان با ضحاک،
 کمر به نابودی آدمی و آزدن الهه آب‌ها و پاکی و باروری بسته‌اند.
 مگر تخریب محیط‌زیست نابودی آدمی نیست؟ مگر آلودن آب‌ها
 زخم زدن بپیکره باورهای نیاکانمان نیست؟ این درخت تناور
 و غرورآفرین را زخم می‌کنیم. الهه آب‌ها را نیاز داریم. اگر چاره‌ای



نیندیشیم، بعید نیست که آن «اژدهای سه سر سه پوزه شش چشم» بدخواه به آرزوی پلیدش برسد و جهان از آدمی و از هستی تهی گردد.

چنین مباد و آن روز مرصاد!

www.ketab.ir